

آینده جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی

محمدصادق کوشکی^۱/سید مهدی نبوی^۲

چکیده

پیروزی انقلاب اسلام‌ی ایران، و تاثیر آن بر مجموعه امنیتی خاورمیانه، سبب شکل‌گیری جبهه‌ای سازمان یافته به رهبری جمهوری اسلامی ایران گردید. با توجه به اینکه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی در بازه‌های مختلف زمانی دچار تحول شده است، این پژوهش با استفاده از روندپژوهی به دنبال یافت پاسخ برای این پرسش اساسی است که آینده جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی چگونه خواهد بود؟

یافته‌های این تحقیق پس از بررسی دوره‌های مختلف نشان می‌دهد که برآیند تحول در محور مقاومت پس از سال ۲۰۱۲ میلادی به دلیل پیوستگی سوریه به محور مقاومت، تحول حزب‌الله لبنان از یک نیروی چریکی محدود به قواره یک ارتش قدرتمند، اضافه شدن روسیه به عنوان همکار به محور مقاومت، تحول رویکرد ایران از حمایت نیروهای نیابتی به رویارویی مستقیم با اسرائیل، ارتقاء صورت‌بندی جدید محور مقاومت با حضور انصارالله یمن، مقاومت اسلامی عراق و هسته‌های مقاومت در افغانستان و پاکستان، روند افزایشی داشته است.

واژگان کلیدی: روندپژوهی، مقاومت، محور مقاومت، رژیم صهیونیستی.

۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران. ایمیل: m.s.kushki@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام). ایمیل: sm.nabavi@ut.ac.ir

نفی موجودیت رژیم صهیونیستی به مثابه‌ی یک واحد سیاسی، از مبانی هویتی و از اصول مسلم حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، نابودی رژیم صهیونیستی و تشکیل یک دولت فلسطینی در کل سرزمین‌های اشغالی از بحر تا نهر، از عمده‌ترین سیاستهای اصولی جمهوری اسلامی ایران بوده است. (ایزدی، و اکبری، ۱۳۹۴ش، ص ۱۲۲)

هر چند که مقاومت در برابر اشغالگری رژیم صهیونیستی سابقه‌ای قبل از انقلاب اسلامی دارد، اما پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بعنوان یک متغیر موثر در این موضوع وارد شد و با تاثیر بر مجموعه امنیتی خاورمیانه، سبب شکل‌گیری جبهه‌ای سازمان یافته به رهبری جمهوری اسلامی ایران گردید. در این جبهه شکل گرفته، جمهوری اسلامی ایران آشکارا و پنهان از گروه‌های مبارز فلسطینی و سایر گروه‌ها و کشورهایی که با رژیم صهیونیستی مبارزه می‌نمایند حمایت نموده و در مقابل این رژیم نیز با پشتوانه حمایت آشکارغرب و همچنین حمایت پنهان برخی کشورهای منطقه در تلاش برای بسط تسلط خود بر سرزمین‌های اشغالی و نابودی گروه‌های مقاومت و تضعیف ایران است. در حالی که روند مواجهه با رژیم صهیونیستی با توجه به پیروزی جبهه مقاومت در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه به نفع محور مقاومت بود، بحران سوریه به عنوان چالشی جدی برای محور مقاومت بوجود آمد و به نظر میرسید در حال ایجاد گسستی در زنجیره مقاومت است. اما روند تحولات پس از ۲۰۱۲ علی‌رغم وجود چالش‌هایی برای محور مقاومت، طور دیگری رقم خورد و به نظر می‌رسد نوع مواجهه جبهه مقاومت با رژیم اسرائیل تغییر کرده است. حال سؤال اصلی این پژوهش این است که آینده محور مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی چگونه خواهد بود؟

روش تحقیق: روند پژوهی

واژه‌ی «روند»، مختص آینده‌پژوهی نیست و کاربردهای عمومی و تخصصی دیگری هم دارد. نکته این است که آینده‌پژوهان برای تعامل آسان‌تر با مخاطبان غیرمتخصص در آینده‌پژوهی، به استفاده از ادبیات روزمره گرایش دارند. تعریف روند در آینده‌پژوهی عبارت است از: «الگوی ذهنی از روابط بین رویدادها که جهت‌گیری آینده را نشان می‌دهد». حتی اگر رویدادها عینی یا برخاسته از پدیده‌های عینی باشند، روندها ذهنی هستند. روندها استنباط پژوهشگر از رابطه بین رویدادها و منطقی‌تغییرات به شمار می‌آیند، پس قابل عینی‌سازی و کشف نیستند و مشروط به تداوم روند، شکل رویدادهای آتی برون‌یابی می‌شود. روند به شکلی که تعریف شد، ارتباط تنگاتنگی با پدیده‌های کیفی دارد. حتی اگر خود روندها، کاملاً کمی باشند، تحلیل آن‌ها نمی‌تواند صد درصد کمی باشد، زیرا عوامل کیفی بر آن‌ها اثر می‌گذارند و پیامدهای کیفی برای روند قابل تصور است. در آینده‌پژوهی تبیین رفتارهای مبتنی بر قصدیت جمعی انسان‌ها اهمیت بالایی دارد و هر پدیده‌ای که قصدیت جمعی انسان‌ها بر آن اثرگذار باشد، کیفی است. پس تحلیل کیفیت‌ها در تحلیل روند نقش برجسته‌ای دارد. در روندپژوهی، عوامل کیفی اصالت دارند و عوامل کمی‌سازی‌شده به کمک آن‌ها می‌آیند. همانند هر روش دیگر در آینده‌پژوهی، هدف اصلی «روندپژوهی»، ارائه تجویزهای آینده‌ساز است. در کنار این تجویزها، خوراک روش‌های دیگر آینده‌پژوهی هم فراهم می‌شود تا در ادامه‌ی فرایند، تجویزهای عمیق‌تر و راه‌گشتری ارائه شوند. روندپژوهی، داده‌های خام و پردازش‌شده در دیدبانی را دریافت می‌کند و با استنباط روابط بین آن‌ها، به حجم انبوه داده‌ها، نظم و معنا و جهت می‌دهد. (زالی، ۱۳۹۵)

مقابله جبهه مقاومت با رژیم صهیونیستی نیز تابع یک روند است. روندی که از تاسیس این رژیم نامشروع آغاز شده و تا کنون ادامه دارد. در این سیر با

تغییراتی مواجهه شده است. بنابراین برای کشف منطق تغییرات و برون یابی تصویر آینده احتمالی مقابله محور مقاومت و رژیم صهیونیستی بایستی روند پژوهی این مقابله صورت گیرد.

محور مقاومت

محور مقاومت اصطلاحی است که اولین بار در سال ۲۰۰۲ در مقاله‌ای با عنوان «محور الشر او محور المقاومة» در روزنامه لیبیایی «الزحف الأخضر» در برابر عبارت محور شرارت جرج بوش استفاده شد و پس از آن در ادبیات مقامات ایرانی و عراقی و لبنانی مانند سید حسن نصرالله به وفور استفاده گردید. (ایبیش، ۲۰۱۳)

بطورکلی ایران، عراق، سوریه، حزب الله لبنان، مقاومت اسلامی در عراق، گروه‌های فلسطینی مانند حماس و ... را اعضای محور مقاومت می‌دانند. در واقع محور مقاومت مجموعه‌ای از بازیگران دولتی و غیر دولتی است که با محوریت جمهوری اسلامی ایران در حمایت از مردم مظلوم فلسطین در مقابل سیاست‌های اشغال‌گرانه رژیم صهیونیستی مقاومت نموده و با رد سیاست‌های سازش‌کارانه با آن مبارزه نموده است. البته سابقه مبارزه اعضای محور مقاومت با رژیم صهیونیستی به زمان اعلام موجودیت آن بر می‌گردد. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحولی جدی در جبهه مبارزه با رژیم صهیونیستی بوجود آمد و ایران تبدیل به بازیگر اصلی در محور مقاومت گردید. در این مقاله نگارندگان بر این باور هستند که بایستی تفکیکی را میان بازیگران محور مقاومت قائل شد و می‌توان اعضای محور مقاومت را به دو دسته اصلی و پیوسته تقسیم بندی کرد:

اعضای اصلی محور مقاومت

اعضای اصلی محور مقاومت بازیگرانی هستند که مبنای مبارزه آنها با رژیم صهیونیستی ایدئولوژیک بوده و آرمان فلسطین نقش محوری را در آن ایفا می‌کند. جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله لبنان، مقاومت اسلامی در عراق، حماس و جهاد اسلامی اعضای اصلی محور مقاومت هستند.

اعضای پیوسته محور مقاومت

اعضای پیوسته محور مقاومت بازیگرانی هستند که حضور آنها در محور مقاومت بیش از آن که دلایل ایدئولوژیک داشته باشد، مبنای امنیتی و ژئوپولیتیکی دارد. دولت سوریه، دولت عراق اعضای پیوسته محور مقاومت هستند.

روند پژوهی مبارزه محور مقاومت با اسرائیل

در خصوص روند مواجهه محور مقاومت با رژیم صهیونیستی به طور مشخص چهار مرحله را می‌توان در نظر گرفت.

مرحله اول: از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ میلادی

در این مرحله جنبش اسلامی در مناطق سه‌گانه اشغالی ۱۹۴۸ م، کرانه باختری و نوار غزه فاقد و روشی ثابت بود. اما در کرانه غربی که به اردن ضمیمه شد، جنبش اسلامی به رسمیت شناخته شد و در نهایت راه اندازی جنبش فتح را بدنبال داشت. (آسودی، ۱۳۹۵)

مرحله دوم: پس از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۹ میلادی

در سال ۱۹۶۷ کرانه غربی و نوار غزه به اشغال کامل نظامیان اسرائیلی درآمد، اشغال کرانه غربی و نوار غزه عامل برقراری ارتباط بین مناطق سه‌گانه فلسطین یعنی مناطق اشغالی ۱۹۴۸، کرانه غربی و نوار غزه شد و در نهایت به جنبش ملی فلسطین تبدیل شد و زمینه سازش را برای سازمان فتح بوجود آورد. (آسودی، ۱۳۹۵)

مرحله سوم: پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز تحولات بیداری اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از مهمترین تحولات در قرن بیستم موجب گردید تا ضمن تأثیر بر نظام دوقطبی حاکم بر جهان، نظام امنیت منطقه‌ای حاکم بر خاورمیانه و زیرمجموعه‌های آن همچون منطقه شامات را به چالش کشیده و قطب‌بندی‌های جدیدی را در منطقه سبب گردد. این قطب‌بندی‌های جدید بیش از هر چیز امنیت اسرائیل به عنوان بازیگر مورد حمایت غرب به ویژه آمریکا را با مخاطره روبرو ساخته است. این امر در حالی است که رژیم صهیونیستی تا پیش از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در ایران، رابطه‌ی امنیتی نظامی و نیز اقتصادی گسترده‌ای را با رژیم پهلوی در قالب دکترین امنیت پیرامونی بنگوریون و برای خروج از انزوای خویش فراهم ساخته بود. لیکن، با پیروزی انقلاب اسلامی، مسأله فلسطین و حمایت از آزادی و استقلال مردمان آن در قالب گفتمان امت محور انقلاب اسلامی و غلبه هویت اسلامی - شیعی و آرمان‌ها و ارزش‌های منبعث از آن، همچون توجه به قاعده نفی سبیل، به یکی از مهمترین ارکان هویت بخش به انقلاب اسلامی و در نتیجه شکل دهنده به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل گردید. (کریمی، ۱۳۹۶، ص. ۲)

در راستای این سیاست، جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان مقاومت اسلامی در برابر اشغالگری رژیم صهیونیستی و حمایت از مظلوم در برابر ظالم به حمایت از بازیگران محور مقاومت در لبنان و فلسطین پرداخت.

در این برهه، صفحه‌ای جدید از مبارزات مردم مسلمان لبنان و فلسطین علیه رژیم صهیونیستی آغاز شد. در لبنان، حزب‌الله لبنان پا به عرصه وجود گذاشت و موفق شد علاوه بر فاز نظامی، در فاز اجتماعی و سیاسی نیز وارد شده و دستاوردهای قابل توجهی را در عرصه داخلی لبنان بدست آورد و به پشتوانه حمایت مردمی به مبارزه جدی با رژیم صهیونیستی پردازد.

در فلسطین نیز جنبش‌های اسلامی ضد صهیونیستی به سرعت جایگزین جریان‌ها و گروه‌های ملی‌گرا و چپ‌گرا شدند و در خط مقدم نبرد با صهیونیست‌ها قرار گرفتند. در حالی که تا پیش از این، هیچ یک از کشورهای منطقه و گروه‌های فلسطینی در عرصه تقابل با صهیونیست‌ها توفیقات چشمگیری نداشتند، این گروه‌ها توانستند دستاوردهای استراتژیک قابل توجهی را در مقابل رژیم صهیونیستی به دست آورند. این دستاوردها به طور عمده، مرهون شکل‌گیری هویتی جدید در منطقه به نام هویت مقاومت بود که مبانی فکری و گفتمانی آن تحت تأثیر انقلاب اسلامی گسترده و فراگیر شده بود. (زارعان، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۲)

در این برهه تا پیش از تحولات بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱، روند مقابله میان محور مقاومت و رژیم صهیونیستی به سمت تضعیف و ممانعت از توسعه طلبی رژیم صهیونیستی حرکت کرد و نقطه اوج تقابل میان جبهه مقاومت و رژیم صهیونیستی در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه بود.

مرحله چهارم: پس از تحولات بیداری اسلامی

با آغاز تحولات بیداری اسلامی و درگیر شدن به یکباره سوریه در این تحولات و ظهور پدیده داعش و از دست رفتن کنترل بخش‌های زیادی از این کشور، و درگیر شدن بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این بحران، محور مقاومت با چالش جدی مواجه شد و به نظر می‌رسید که زنجیره مقاومت دچار گسست شود. اگر چه جنگ فرسایشی در سوریه موجب ایجاد فضای تنفسی حدوداً ۵ ساله برای رژیم صهیونیستی شد، و حتی برخی تحلیل‌گران از پایان محور مقاومت سخن می‌گفتند (Mohns & Bank 2012 p. 25) اما ورود ایران و بازیگران محور مقاومت به صحنه اصلی تحولات سوریه موجب شد دولت سوریه سقوط نکند و یکی از حلقه‌های زنجیره مقاومت از بین نرود. در همین برهه،

محور مقاومت توانست جنگ‌های ۸ روزه و ۵۱ روزه را با موفقیت در برابر رژیم صهیونیستی پشت سر بگذارد و در نهایت با تثبیت نسبی وضعیت سوریه، نوعی تحول و پوست اندازی در محور مقاومت شکل گرفت.

تحول بازیگران محور مقاومت پس از ۲۰۱۲

تحولات شکل گرفته در محیط امنیتی منطقه پس از سال ۲۰۱۲ تا کنون، موجب تغییراتی هم در نوع مواجهه و هم در وزن و هم در صورت‌بندی بازیگران محور مقاومت گردیده است. مصادیق این تغییرات را می‌توان به شرح ذیل ملاحظه کرد.

افزایش پیوستگی سوریه به محور مقاومت

سوریه اگر چه از ابتدا به عنوان عضوی از محور مقاومت مطرح بود (عضو پیوسته)، اما بسته به ضرورت‌ها و منافع ژئوپلیتیک مجبور به مذاکره با رژیم صهیونیستی (بر سرمسائلی مانند جولان) نیز شده است. تحولات سوریه و ورود همه‌جانبه و قاطعانه ایران و همچنین حزب‌الله لبنان به دفاع از دولت و مردم سوریه در مقابل تروریست‌ها و حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن‌ها، باعث ارتقاء سطح روابط میان سوریه و اعضای اصلی محور مقاومت، و در نتیجه افزایش پیوستگی سوریه با محور مقاومت شده است.

ورود روسیه به عنوان همکار محور مقاومت

از جمله تحولات محور مقاومت، اقناع روسیه برای حضور در تحولات سوریه به عنوان همکار محور مقاومت و در مقابل جبهه غربی - عبری است. روسیه در فاز نظامی در سال ۲۰۱۵ وارد سوریه شد. برخی شروع این ورود را مرتبط با سفر سردار سلیمانی به مسکو و ملاقات وی با پوتین میدانند.

در یک همکاری استراتژیک نظامی، هواپیماهای روسی از پایگاه همدان در ایران برای حمایت هوایی استفاده نمودند. همچنین روسیه، ایران، عراق و سوریه در اکتبر ۲۰۱۵، مکانیسم همکاری اطلاعاتی - عملیاتی را با تاسیس اتاق عملیات مشترک در بغداد و دمشق ارتقاء دادند و سپس حزب الله نیز به این اعضا اضافه شد و معروف به گروه ۱+۴ گردید. (Barnes-Dacy 2018 p. 66)

همکاری میان ایران، سوریه، حزب الله و روسیه موجب برتری نظامی محور مقاومت در برابر داعش و معارضان مسلح و آزادسازی بخش‌های زیادی از خاک سوریه شد. البته همکاری روسیه با محور مقاومت صرفاً در بعد نظامی نبود و در بعد سیاسی نیز در دفاع دیپلماتیک در شورای امنیت و آغاز راهکار سیاسی حل بحران در نشست‌های سه جانبه ایران-ترکیه-روسیه این همکاری شکل گرفت. بنابراین یکی از موفقیت‌های دیگر محور مقاومت که منجر به صورت‌بندی جدیدی در معادلات سوریه گردید، کشاندن روسیه به عرصه بحران برای حمایت از محور مقاومت، -هرچند در جهت دفاع از منافع ژئوپولیتیک خودش- بود.

قدرتمندتر شدن حزب الله لبنان

از نکات بارز تحولات سوریه، حضور موفقیت آمیز حزب الله لبنان و پوست اندازی حزب الله لبنان است. حزب الله نشان داد قادر است خارج از مرزها به طور گسترده عملیات و عمل کند. قبلاً حزب الله به عنوان یک گروه شبه نظامی یا چریکی شناخته شده بود و خیلی از کارشناسان بین‌المللی تصور نمی‌کردند حزب الله بتواند در مناطق وسیعی این گونه عملیات را انجام دهد. چرا که عملیات‌ها در سوریه عملیات ضدچریکی هستند و حزب الله وارد جنگ‌های متقارن و جنگ‌های نیمه کلاسیک و حتی کلاسیک شده و از سلاح‌های نیمه سنگین و سنگین استفاده می‌کند و در موقعیت‌های تثبیت شده، جبهه‌های مشخص شده و خطوط مرزی قرار دارد. در واقع

یک صفحه جدید از فعالیت‌های نظامی و مقاومت اسلامی خود را نشان داده است. چنانچه اولین بار در تاریخ مدرن مقاومت اسلامی مجهز به تسلیحات، با گستردگی و با این تعداد از نیروها در طی چندین سال توانسته مقاومت و پیروزی‌های بزرگی را به دست آورد. (عبدی پور، ۱۳۹۴) تحولات سوریه و یمن باعث شد حزب‌الله در دو جبهه بجنگد و استعداد نظامی و قدرتش افزایش یابد. در نتیجه حزب‌الله از بازیگر ملی درون لبنان تبدیل به بازیگر فعال منطقه‌ای شده است.

تحول در قدرت سیاسی و نظامی ایران

یکی از تغییرات مهم جبهه مقاومت در روند پسا تحولات بیداری اسلامی، تحول در قدرت سیاسی و نظامی ایران به عنوان بازیگر اصلی محور مقاومت است. در ذیل به این تحولات می‌پردازیم.

تغییر رویکرد عملیاتی: از حمایت بازیگران نیابتی تا رویارویی مستقیم با اسرائیل

از اتفاقات مهم و تحولات صورت گرفته در عرصه رویارویی محور مقاومت با رژیم صهیونیستی، تغییر رویکرد ایران در نحوه مقابله با این رژیم است. تا پیش از این ایران صرفاً از بازیگران نیابتی در عرصه مقابله با رژیم اشغالگر قدس حمایت میکرد. اما پس از این تحولات، جمهوری اسلامی اولین درگیری مستقیم خود را با رژیم صهیونیستی را آن هم به طور موفقیت آمیز تجربه کرد و در پاسخ به حمله رژیم صهیونیستی به پایگاه T4 سوریه، مواضع این رژیم را در جولان مورد هدف قرار داد. اگر چه در ابتدا گفته می‌شد که ایران نقشی نداشته و حمله از جانب سوریه صورت گرفته است، اما بعد از گذشت مدت اندکی مقامات ایران آشکارا حمله به جولان را پاسخ ایران به حمله اسرائیل به پایگاه T4 نامیدند. سردار حسین سلامی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران خرداد ماه ۹۷ در سخنرانی خود در مشهد می‌گوید: « وقتی

صهیونیست‌ها پایگاه تیغور سوریه را بمباران کرده و تعدادی جوان را به شهادت رساندند تصور داشتند پاسخی دریافت نمی‌کنند و فکر می‌کردند پشتیبانی آمریکا و انگلیس می‌تواند جبهه مقاومت را در ارباب فرو برد و فکر کردند کسی پاسخ نمی‌دهد و همه شاهد بودید گفتند اگر پاسخ دهید نظام سوریه را پایان می‌دهیم اما در جولان پاسخ داده شد و ده‌ها فروند موشک پرواز کرد و پیغام داده شد اگر پاسخ دهید قلب تل اوپو را با خاک یکسان می‌کنیم و خفه شدند و از آن روز هیچ غلطی نکردند.» (تسنیم، ۱۳۹۷) در واقع رژیم صهیونیستی به هیچ وجه انتظار چنین پاسخی از طرف ایران را نداشت و اساساً قبل از تحولات ۲۰۱۱ امکان چنین پاسخی آن هم به نحوی که اسرائیل حتی امکان شکایت به مراجع بین‌المللی را نداشته باشد نبود.

در نتیجه، در رویکرد جدید ایران ضمن حمایت از بازیگران نیابتی، خود نیز به طور مستقیم وارد مواجهه با رژیم صهیونیستی شده است. در خصوص این تغییر رویکرد، حتی کارشناسان اسرائیلی نیز به افزایش قدرت ایران معترف هستند. مرکز مطالعات استراتژیک بگین سادات اسرائیل در گزارشی با عنوان «محور مقاومت جدید ضد اسرائیلی ایران» که در فوریه ۲۰۱۸ منتشر شده است به این موضوع اشاره کرده و آن را تغییر استراتژی ایران می‌داند. این گزارش به قلم دورون ایتزاکوف، با اشاره به پرواز پهپادهای ایرانی بر فراز سرزمین‌های اشغالی، آن را فاز جدیدی از مقابله ایران با اسرائیل و گذر از درگیری غیر مستقیم به مستقیم و نتیجه افزایش خودباوری ایران دانسته است. در این گزارش راهبردی، یک عنصر کلیدی از رویکرد جدید، ایجاد پایگاه‌های ایرانی در سوریه است. به ادعای ایتزاکوف، بعضی از این‌ها در پایگاه‌ها و فرودگاه‌های سوریه قرار داشتند، بعضی‌ها همراه با حزب‌الله تاسیس شدند و بعضی‌ها به تنهایی توسط ایران تجهیز شده‌اند. این گزارش ادعا می‌کند که تهران حضور دائمی خود را در پایگاه‌های حومه دیرالزور، حلب، سافیرا، القصیر و جاهای دیگر

برقرار می‌کند. ساخت پایگاه‌ها و تداوم سرزمینی که آن‌ها ایجاد کرده اند، به قصد ایران در جهت حضور دراز مدت در خاک سوریه اشاره می‌کنند. (Itzhakov, 2018)

تحمیل اراده ایران بر حامیان محور تروریسم

یکی از شاخصه‌های مهم افزایش قدرت نظامی و سیاسی ایران، تحمیل اراده به محور تروریسم یا حامیان غربی-عربی-عبری تروریست‌ها است که از ابتدای بحران به دنبال سقوط دولت قانونی سوریه بودند. محور تروریسم از ابتدای بحران اعلام کرد بشار اسد باید برود و صحبت از زمان‌بندی‌های شش‌ماهه و سه‌ماهه می‌نمود، اما ایران با حضور قدرتمند خود بر خلاف میل آمریکا و عربستان سعودی و سایر متحدین منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن‌ها دولت سوریه را حفظ کرد و با وجود شش سال جنگ فرسایشی و تحریم و ... مانع از سقوط دولت و تجزیه سوریه شد.

وادار کردن ترکیه به جدایی از محور تروریسم

از مهمترین بازیگران عرصه تحولات سوریه که روابط پر فراز و نشیبی هم با رژیم صهیونیستی دارد ترکیه است. ترکیه در آغاز تحولات سوریه موضعی نرم اتخاذ کرد و امیدوار بود مشکلات از طریق رایزنی بر طرف گردد. در اینجا ترکیه با برخی انتقادات بین‌المللی نیز مواجه گردید؛ اما با افزایش فشارهای بین‌المللی از سوی کشورهای غربی علیه سوریه، ترکیه نیز مواضع جدی تری اتخاذ کرد و فعالانه وارد عرصه تحولات سوریه شد و ضمن سیاست میانجی‌گری و پذیرش مخالفان دولت بشار اسد در خاک خود، انتقاداتی بر نحوه‌ی برخورد دولت سوریه با مخالفان وارد کرد و خواستار اجرای اصلاحات در آن کشور شد. (بیات، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۷) با گسترش بحران در سوریه روابط دو کشور رو به زوال گذاشت و از اوائل ژوئن ۲۰۱۱، ترکیه اتفاقات سوریه را غیر انسانی خواند و اعلام کرد بشار اسد به قولی که برای

اصلاحات داده بود عمل نکرده است. در نتیجه در نوامبر ۲۰۱۱، ترکیه با چرخش کامل در مواضع خود از اسد خواست تا قدرت را رها کند و علاوه بر این با قرار گرفتن در موضعی تهاجمی و فعال، چندین نشست مخالفان سوری را میزبانی و در آوریل ۲۰۱۲ نیز دومین اجلاس دوستان ملت سوریه را در استانبول برگزار کرد تا به یک بازیگر کلیدی حامی مخالفان سوریه تبدیل شود. ترکیه در راستای سیاست جدید خود نه تنها به مخالفان دولت سوریه امکان عبور از خاک خود و حمل سلاح به درون خاک سوریه را داد، بلکه خودش نیز تا مرحله درگیری نظامی با دولت دمشق پیش رفت. (مسعودنیا، فروغی و چلمقانی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۱) در نهایت ترکیه به پشتتاز (نیروهای منطقه‌ای عربی - غربی) برای سرنگونی حکومت سوریه تبدیل شد. چنان چه این کشور (شورای ملی سوریه و ارتش آزاد سوریه) را تاسیس، سازماندهی و تحت حمایت خود قرار داد و به میزبان مخالفان حکومت دمشق تبدیل شد. (کبیری، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۱) اما ترکیه علی رغم تمام تلاش‌هایش نتوانست موفق به سرنگونی دولت سوریه شود. حمایت ایران از سوریه در کنار رایزنی‌های متعدد با دولتمردان ترکیه در نهایت نتیجه داد و ایران موفق شد با اقدامات دیپلماتیک خود (سفرهای متعدد سران سیاسی و نظامی) و نیز با ابتکار عمل خود در پیش‌نهاد برگزاری نشست‌های سه جانبه ایران - ترکیه - روسیه، موفق شد ترکیه را از محور تروریسم جدا کند و در برخی موارد حتی با محور مقاومت همراه نماید. اتخاذ برخی مواضع نزدیک به ایران از سوی مقامات ترکیه مانند اردوغان شاهد این مدعا است.

توان ائتلاف سازی و نفوذ منطقه‌ای ایران

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این باور به وجود آمده بود که ساخت قدرت و سیاست در ایران به دلیل ماهیت ایدئولوژیک نظام سیاسی و همچنین اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی در خصوص دفاع از مسلمانان و

نهضت‌های آزادی بخش از یک سو و ماهیت و ویژگی‌های ساخت قدرت و سیاست در منطقه از سوی دیگر به نحوی است که هرگونه مدیریت و کنترل قدرت‌های فرامنطقه‌ای را ناممکن می‌سازد. با این حال نوع مدیریت ایران در بحران‌های منطقه‌ای و اقتدار ناشی از آن که در شکل‌گیری جبهه مقاومت اسلامی تبلور یافته، نشان داد که ایران از موقعیت و فرصت کنترل قدرت‌های فرامنطقه‌ای و حتی ائتلاف سازی با آن‌ها بهره مند است و در صورت لزوم می‌تواند از چنین رویکردی در سیاست خارجی خود استفاده کند. نمونه مهم ائتلاف سازی ایران در بحران‌های منطقه‌ای در بحران سوریه قابل مشاهده است که طی آن، توافق ایران و روسیه موجب تحول شگرفی در سطح منطقه شد و حتی پیامدهای جهانی نیز در برداشت. این توافق نشان داد جمهوری اسلامی ایران توان ائتلاف سازی با بازیگران معارض ایالات متحده آمریکا را دارد. همکاری با روسیه در پرونده سوریه به رغم تمام چالش‌ها و ملاحظات، یکی از نمونه‌های بازیگری منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است که موفق به تغییر شرایط سوریه به نفع جبهه مقاومت شد. (بهمن، ۱۳۹۶، ص. ۹۳)

ارتقاء سطح پاسخ به تهدیدات: استفاده آزادانه و عملیاتی ایران از موشک‌ها

یکی از نشانه‌های بارز افزایش قدرت بازیگری ایران در منطقه، استفاده آزادانه و عملیاتی ایران از توان موشکی خود در پاسخ به اقدام علیه ایران، علی‌رغم تمام تهدیدات و تحریم‌های آمریکا و متحدانش است. تا قبل از این ایران صرفاً به مانور و تمرین موشکی اکتفا می‌نمود و هیچ‌گونه استفاده عملیاتی از موشک‌های خود نداشت، اما در سال ۲۰۱۷، و در پاسخ به حمله داعش به مجلس شورای اسلامی، ایران با شش فروند موشک مقرر تروریست‌های داعش در دیرالزور سوریه در فاصله ۶۵۰ کیلومتری را مورد هدف قرار داد. پاسخ بعدی ایران حمله موشکی ۱۷ شهریور ۹۷ به مقر حزب دموکرات کردستان در پاسخ به حمله تروریستی به

مرزبانان ایران بود. ایران همچنین پاسخ حمله تروریستی به رژه اهواز را با حمله موشکی به مقر داعش در فاصله ۵۷۰ کیلومتری در بوکمال آن هم در ۳ مایلی نیروهای آمریکایی داد. نکته مستتر در این حملات، بالا بردن سطح پاسخ ایران به حمله و تهدید ایران و استفاده عملیاتی از موشک‌ها در منطقه است.

کاهش توان دخالت بازیگران عربی

نکته دیگر در خصوص تقویت محور مقاومت، کاهش توان دخالت بازیگران عربی مانند قطر و امارات و ... در عرصه بحران سوریه به عنوان مهمترین چالش محور مقاومت در سال‌های اخیر است. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بخصوص کشوری مانند قطر در آغاز بحران سوریه با تمام توان مالی و رسانه‌ای وارد شدند اما در نهایت بدون نتیجه برگشته و مجبور به تغییر موضع گردیدند.

اضافه شدن بازیگران جدید به محور مقاومت

اما مهمترین اتفاق در صورتبندی محور مقاومت در بازه پس از ۲۰۱۲، اضافه شدن بازیگران جدید به محور مقاومت، آن هم در دسته بندی بازیگران اصلی (محوریت ایدئولوژی در پیوستن به محور مقاومت) است.

در این بازه زمانی، انصار الله که خود را جزیی از محور مقاومت میدانند در یمن شکل گرفت، تقویت شده و بازیگر اصلی تحولات یمن شد، مقاومت اسلامی در عراق (حشدالشعبی) شکل گرفت و به بازوی محور مقاومت در مقابله با داعش تبدیل شد، همچنین هسته‌های جدید مقاومت مردمی مانند فاطمیون افغانستان و زینیون پاکستان شکل گرفتند. اضافه شدن این بازیگران جدید به محور مقاومت، شبکه‌ای امنیتی را در منطقه به نفع محور مقاومت پدید آورده است که موجب فشار امنیتی به جبهه مقابل گردیده است.

روند پژوهی رژیم صهیونیستی: چالش‌های داخلی و خارجی

برخلاف محور مقاومت که با تحول بوجود آمده در بازیگرانش، قدرتمندتر شده است، به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی اگر چه در ابتدای تحولات فضای تنفسی را برای خود مهیا می‌دید، اما در حال حاضر با مشکلات و چالش‌هایی هم در بعد داخلی و هم در بعد خارجی مواجه شده است.

چالش‌های داخلی

از زمانی که کوچ یهودیان صهیونیست از نقاط مختلف جهان به سرزمین فلسطین برای تأسیس حکومت اسرائیل در سرزمین موعود آغاز شد، یهودیان مهاجر از ۱۰۲ کشور جهان و با ۵۲ زبان و فرهنگ متفاوت به این سرزمین آمدند. این مسئله، جامعه اسرائیل را از حالت جامعه‌ای یکپارچه و واحد، خارج کرده و به جامعه‌ای با اجزا و بخش‌های ناهمگون و ناسازگار با یکدیگر، مبدل ساخته است و باعث اختلاف و چالش بر سر موضوعات اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و سیاست خارجی در این جامعه شده است. مهم‌ترین چالش‌های درونی رژیم صهیونیستی عبارتند از:

تغییر در توازن جمعیتی به نفع فلسطینیان

موضوع بازگشت آوارگان فلسطینی

مسئله حاکمیت بر بیت المقدس (قدس شریف)؛

شکل‌گیری انتفاضه در سرزمین‌های اشغالی به ویژه در کرانه باختری؛

اختلاف دیدگاه‌ها در مورد توسعه شهرک‌سازی و احداث دیوار حائل؛

شکاف‌ها و گسست‌های اجتماعی، قومی و نژادی در جامعه اسرائیل؛

چالش‌ها و اختلافات بین صهیونیست‌های مذهبی افراطی و جریان‌های صهیونیستی

سکولار(جاودانی مقدم، مهدی و برجویی فرد عباس، ۱۳۹۴، ص ۱۱۷-۱۱۸)

چالش‌های خارجی

تهدید دائم امنیت رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی از بدو تاسیس خود همواره با تهدید امنیتی مواجه بوده و چالش موجودیت، چالش جدی برای اسرائیل به شمار می‌آید. از زمان تاسیس در سال ۱۹۴۸ تا امضای توافق نامه کمپ دیوید در ۱۹۷۸، اسرائیل با تهدید همسایگان عرب خود مواجه بوده است. در حالی که به نظر می‌رسید با امضای این توافق نامه امنیت رژیم صهیونیستی تامین می‌شود، با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، و حمایت ایران از گروه‌های مقاومت، مجدداً امنیت رژیم اسرائیل مورد تهدید قرار گرفت. با شروع بحران در سوریه، تصور می‌شد که با گسست زنجیره مقاومت در سوریه، امنیت اسرائیل تامین خواهد شد، که با پیروزی جبهه مقاومت، و ارتقاء وزن بازیگران مقاومت که بیشتر توضیح داده شد، امنیت این رژیم بیش از پیش مورد تهدید دائمی قرار گرفت.

ضعف در انجام کار ویژه، افزایش هزینه اسرائیل برای غرب

سرهنری کمپل بنرمان (نخست وزیر انگلیس از ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۸) می‌گوید:

«ملت‌هایی هستند که قلمروهای وسیعی در اختیار دارند و سرزمین‌هایشان انباشته از گنج‌ها و منابع پنهان و آشکار است. آن‌ها بر نقاط و شاهراه‌های ارتباطی جهان مشرف بوده و بر آن تسلط دارند. سرزمین‌هایشان مهد پیدایش اکثریت قریب به اتفاق تمدن‌ها و مذاهب نوع بشر بوده است. این مردمان اعتقادات، زبان، تاریخ، و در نتیجه آرزوها، محرک‌ها و نیروهای مشترک دارند. هیچ نوع مواضع معمولی نمی‌تواند بین آن‌ها جدایی بیاندازد. اگر تصادفاً روزی این زمین‌ها به شکل یک حکومت متحد درآیند،

سرنوشت جهان را در دست گرفته و اروپا را منزوی خواهند کرد. اگر این مطلب با دقت و جدیت بررسی شود می‌باید جسمی خارجی به شکل حائل در قلب این ممالک قرار داد تا مانع از اتحاد و رسیدن دو طرف آن به همدیگر شده، به طوری که قدرت آنان را در جنگ‌های بی پایان تحلیل برده و کاملاً ناتوانشان کند. همینطور می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای حفظ سلطه و حاکمیت غرب در این منطقه به کار رود.» (سلطان‌شاهی، ۱۳۸۴، ص. ۱۱)

در واقع کار ویژه و اساساً فلسفه تشکیل اسرائیل، مواجهه با ایجاد تمدن نوین اسلامی، حفظ منافع غرب صنعتی و سلطه غرب در خاورمیانه است. اما شکست‌های پی در پی اسرائیل در جنگ‌های اخیر ۳۳ روزه و ۲۲ روزه و ۸ روزه و ۵۱ روزه، گسترش نفوذ ایران تا مدیترانه، و گسترش شبکه مقاومت در منطقه نشان می‌دهد که قدرت اسرائیل برای انجام وظیفه تعیین شده برایش کاهش یافته است. در نتیجه غرب با موجودیتی مواجه است که در انجام وظایفش هر روز ضعیف‌تر از قبل است و هزینه اش برای غرب بالاتر رفته است.

بطور مثال بر اساس گزارش کنگره آمریکا، فقط ایالات متحده آمریکا تاکنون چیزی حدود ۱۳۴ میلیارد دلار به اسرائیل کمک مالی نموده است. (M.Sharp2018)

عدم موفقیت جبهه غربی - عبری برای ایجاد فضای تنفس اسرائیل

همان‌طور که پیشتر نیز اشاره گردید مهمترین هدف از ایجاد بحران در سوریه ایجاد فضای تنفس برای اسرائیل بود. اما با حمایت محور مقاومت این پروژه با شکست مواجه شد و اراده محور مقاومت بر اراده محور غربی - عربی - عبری تحمیل شد. در نتیجه این شکست، حضور نظامی ایران به عنوان عنصر اصلی

محور مقاومت و مهمترین دشمن اسرائیل در نزدیک‌ترین فاصله جغرافیایی به اسرائیل تثبیت شد و فشار امنیتی بر این رژیم بیش از پیش گردید.

نتیجه

در این مقاله روند مواجهه محور مقاومت در مقابله با رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار گرفت تا بتوان بر اساس کشف منطق تغییرات، به برون‌یابی تصویر آینده احتمالی مقابله محور مقاومت و رژیم صهیونیستی پرداخت. یافته‌های این پژوهش حالی از تحول افزایشی در وزن و صورتبندی محور مقاومت و در مقابل ضعیف‌تر شدن رژیم صهیونیستی به سبب چالش‌های داخلی و خارجی است.

نگارندگان مقاله، اعضای محور مقاومت را در دو دسته اعضای اصلی (حضور در محور مقاومت به دلایل ایدئولوژیک و حمایت از آرمان فلسطین) و اعضای پیوسته (حضور در محور مقاومت به دلایل ژئوپلیتیک) تقسیم‌بندی نموده و معتقدند، محور مقاومت پس از تحولات بیداری اسلامی و کشیده شدن بحران به سوریه به‌عنوان حلقه‌ای از زنجیره مقاومت، دچار چالش شد، اما با فائق آمدن بر این چالش دچار تحول افزایشی گردید. در نتیجه این تحولات، پیوستگی سوریه به محور مقاومت افزایش یافت؛ حزب‌الله لبنان از یک نیروی چریکی محدود به قواره یک ارتش قدرتمند کلاسیک با توان بازی منطقه‌ای درآمد؛ روسیه به عنوان همکار به محور مقاومت اضافه شد؛ همچنین تحول جدی در رویکرد ایران در مواجهه با رژیم صهیونیستی بوجود آمد و از حمایت نیروهای نیابتی به رویارویی مستقیم با اسرائیل ارتقاء یافت. ایران اراده خود را به محور غربی-عبری-عربی تحمیل نموده و مانع از سقوط دولت قانونی سوریه شد و همچنین توان ائتلاف سازی خود در نشان داد. محور مقاومت توانست ترکیه را از محور تروریسم جدا ساخته و در حتی در مواردی با خود همراه سازد. اعضای اصلی محور مقاومت افزایش یافت و با حضور

انصارالله یمن، مقاومت اسلامی عراق و هسته‌های مقاومت در افغانستان و پاکستان، شبکه امنیتی مقاومت دارای صورتبندی جدیدی گردید. مجموع این تحولات باعث شده است تا فشار امنیتی محور مقاومت به اسرائیل افزایش یابد.

از سوی دیگر وضعیت چالش‌های داخلی و خارجی رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار گرفت. مشخص شد که این رژیم علاوه بر چالش‌های متعدد داخلی با تهدید دائمی امنیت و از دست رفتن کارویژه خود برای غرب و افزایش هزینه حمایت از این رژیم برای غرب، و شکست محور غربی-عربی-عبری در ایجاد فضای تنفس برای اسرائیل و تثبیت حضور نظامی ایران در سوریه مواجه است.

برآیند تحول افزایشی در محور مقاومت و چالش‌های داخلی و خارجی رژیم صهیونیستی حاکی از فروپاشی رژیم صهیونیستی در آینده است. زیرا نوع مواجهه محور مقاومت با رژیم صهیونیستی تغییر کرده است، بدین صورت که تا قبل از تحولات بیداری اسلامی و بحران سوریه، ایران به عنوان بازیگر اصلی محور مقاومت به سایر بازیگران کمک می‌کرد تا جلوی توسعه طلبی رژیم صهیونیستی گرفته شود، در حالی که اکنون محور مقاومت دیگر به ممانعت از توسعه طلبی رژیم صهیونیستی نمی‌اندیشد بلکه به تخریب این رژیم می‌اندیشد. در واقع در گذشته قدرت اسرائیل و میزان آن هدف بود اما الان بود و نبود اسرائیل مورد هدف قرار گرفته است.

حتی اگر با نگاه غربی و چارچوب‌های تئوریک روابط بین‌الملل نیز به موضوع نگرسته شود نیز آینده مقابله جبهه مقاومت با رژیم صهیونیستی چیزی جز زوال و فروپاشی رژیم صهیونیستی نخواهد بود. بطور مثال نواقع گرایان تهاجمی از تلاش برای بیشینه سازی قدرت برای بقا سخن می‌گویند و کسب قدرت یک بازیگر را به زیان بازیگر رقیب ارزیابی می‌کنند. حال با بررسی روند تغییرات پس از ۲۰۱۲، اگر به فرض، توان اسرائیل ثابت مانده باشد با توجه به افزایش قدرت محور مقاومت،

رژیم صهیونیستی رو به تخریب می‌رود. این در حالی است که استدلال شد این رژیم به دلایل داخلی و خارجی تضعیف شده و نمونه بارز این تضعیف عدم توان در پاسخ‌گویی به حمله مستقیم ایران به مواضع این رژیم است. در نهایت به نظر می‌رسد پیش‌بینی رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۴ در نابودی اسرائیل در کمتر از ۲۵ سال ان شاء الله به حقیقت خواهد پیوست.

منابع

منابع فارسی

کتاب و پایان نامه‌ها

۱. سلطان‌شاهی، علیرضا. (۱۳۸۴ش). پانترکیسم و صهیونیسم. تهران: موسسه مطالعات ملی تمدن ایرانی.
۲. کبیری، اباصلت. (۱۳۹۱ش). تعامل و تقابل جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در بحران سوریه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی: پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای. به راهنمایی دکتر احمد بخشایش اردستانی.

مقالات

۳. ایزدی، جهانبخش؛ و اکبری، حمیدرضا. (۱۳۹۴ش). جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی؛ تلاقی ایدئولوژیک، تقابل استراتژیک. فصلنامه مطالعات فلسطین، ۳۱، ۱۲۱-۱۴۰.
۴. بهمن، شعیب. (۱۳۹۶، زمستان). تاثیر اقتدار منطقه‌ای ایران بر مدیریت حضور روسیه در سوریه. فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۸(۴)، ۹۱-۱۱۲.
۵. بیات، ناصر. (۱۳۹۰ش). نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تأکید بر تحولات سوریه. فصلنامه ره نامه سیاست گذاری، ۲(۲)، ۱۶۱-۱۷۸.
۶. جاودانی مقدم، مهدی؛ و برجویی فرد عباس. (۱۳۹۴ش). آینده اسرائیل؛ بقاء یا فروپاشی، در چارچوب نظریه آینده پژوهی پیتر شوارتز با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۸(۳)، ۱۰۷-۱۳۲.
۷. زارعان، احمد. (۱۳۹۵ش). چشم انداز مقاومت فلسطین در چالش‌های هویتی غرب آسیا. فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هفدهم (شماره دو)،

۱۳۲-۱۰۷

۸. کریمی، ابوالفضل. (۱۳۹۶ش). نقش ج.ا. ایران در هویتبخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت. ماهنامه پژوهش ملل، ۲(۲۰)، ۱-۱۴.
۹. مسعودنیا، حسین، فروغی، عاطفه، چلمقانی، مرضیه. (۱۳۹۱ش). ترکیه و بحران سوریه، از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت. فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول (شماره چهارم)، ص. ۸۳-۱۱۰.

منابع اینترنتی

۱۰. آسودی، م. (۱۳۹۵، ۰۴ ۰۵). سوابق و پیشینه مبارزه با رژیم صهیونیستی. قابل دسترسی در: <http://www.pasdaraneahleghalam.ir/article/>
۱۱. خبرگزاری تسنیم. (۱۳۹۷، ۳ ۱۸). روایت سردار سلامی از واکنش ایران به بمباران پایگاه T4 قابل دسترسی در: <http://tn.ai/1744417>
۱۲. زالی، سلمان. (۱۳۹۵، ۱۴ ۰۶). درآمدی بر روند پژوهی در اجرا. موسسه افق آینده پژوهی راهبردی قابل دستیابی در: <http://iran-futures.org/old/درآمدی-بر-روندپژوهی-در-اجرا/>
۱۳. عبدی پور، ماکان. (۱۳۹۴، ۱۲ ۱۹). اهداف و رویکرد میدانی و سیاسی حزب الله در بحران سوریه. مرکز بین المللی مطالعات صلح: قابل دستیابی در: <http://peace-ipsc.org/fa/اهداف-و-رویکرد-میدانی-و-سیاسی-حزب-الل/>

منابع عربی

۱۴. ایبیش، ح. (2013، 11 05). محور المقاومة انتهى خلفا توترا في العلاقات بين أميركا والعرب. الشرق الاوسط: <https://aawsat.com/home/article/8437>

منابع انگلیسی

15. Barnes-Dacy, J. (2018). Russia and the Resistance Axis. In N. Popescu, & S. Secieru, Russia's Return to the Middle East (p. 123). Luxembourg: EU Institute for Security Studies.
16. Harkov, L. (2018). THE KNESSET AT AGE 69: STILL STRUGGLING FOR THE PUBLIC'S TRUST. Jerusalem Post. Retrieved from 37. <http://www.jpost.com/Israel-News/Politics-And-Diplomacy/The-Knesset-at-age-69-Still-struggling-for-the-publics-trust-540181>
17. Itzhakov, D. (2018). Iran's New Anti-Israel «Resistance Axis». Telaviv: Begin Sadat Center for Strategic Studies.
18. Sharp, M. J. (2018). U.S. Foreign Aid to Israel. Washington: Congressional Research Service.
19. Mohns, E, & Bank, A. (2012, Fall). Syrian Revolt Fallout: End of the Resistance Axis. Middle East Policy, 19(3), pp. 25-35